با مردم
شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

مرکز شهر ارومیه از حضور معتادان متجاهر پاکسازی شود

متأسفانه مرکز شـــهر به محلی برای جولان معتادان متجاهر تبدیل شده و هر گردشگر با ورود به شهر و بازدید از این منطقه با صحنه‌های تأسف‌باری مواجه می‌شود. این اقشار به‌خصوص در اطراف مسجدجامع ارومیه هســـتند و جا دارد مسئولان هر چه سریع‌تر نســـبت به اجرای پروژه ســـاماندهی میدان امام و جمع‌آوری این افراد اقدام کنند.

اسماعیلی از ارومیه

در فرم‌های اداری و تحصیلی، قید نام مادر در کنار نام پدر الزامی شود

همه مـــا می‌دانیـــم کـــه آموزه‌های دینـــی و فرهنگـــی ما و علی‌الخصوص پیامبر عظیم‌الشان اسلام(ص) برای زنان احترام خاصی قائل بوده و هستند. ما باید به‌عنوان یک کشور اسلامی برای دیگر کشورهای مسلمان الگو باشیم و جایگاه و مقام مادر را در عمل به دنیا نشان دهیم. یکی از بهترین و تأثیرگذارترین اقدامات در این زمینه لـــزوم قید نام مادر در کنـــار نام پدر در فرم‌های تحصیلی و... است. با این کار نشان می‌دهیم که در دین و فرهنگ ما هیچ تفاوتی میان زن و مرد وجود ندارد و هر دو از یک جایگاه برخوردارند.

شهبازی از تهران

مراکز درمانی شهرهای کوچک به دســـتگاه‌های دیالیز مجهز شوند

نبود دستگاه‌های دیالیز درشهرهای کوچک برای بیماران بسیار دردسرساز و عذاب‌آور است؛ درحالی که این افراد از بیماری خود و تبعات آن به حد کافی در رنج و عذابند. ســـؤال من این است که تکلیف اشـــخاصی که تنها زندگی می‌کنند یا سالمند و یا وسیله نقلیه ندارند چیســـت؟ این افراد چطور باید چند روز در هفته و گاهی هر روز هفته را برای دیالیز به بیمارستان‌ها و مراکز درمانی بروند که در شهرهای اطراف است و فاصله زیادی تا محل سکونتشان دارد؟ از مسئولان خواهشمندیم هر چه زودتر فکری به حال این دسته از بیماران بکنند.

قره ویسکی از دشتک چهارمحال‌وبختیاری

پیامک
ارسال پیام کوتاه خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

افزایش دستمزد کارگران به هیچ‌وجه متناسب با تورم و گرانی‌ها نیست

براساس ماده ۴۱قانون کار، کارفرما موظف است تا افزایش حقوق ســـالانه کارگران را مطابق با نرخ تورم افزایش دهد. افزایش ۲۷درصدی به حداقل حقوق‌ها با این وضعیت تورم و گرانی روزافزون، هیچ مشـــکلی را از کارگران حل نخواهد کرد. خواهشمندیم در مورد این افزایش حقوق تجدیدنظر صورت گیرد.

علایی از تهران

مشترکان گاز توان پرداخت قبض‌های میلیونی را ندارند

در این شرایط ســـخت اقتصادی و وضعیت بد مالی مردم، مشترکان گاز نقره‌داغ شده‌اند و قبض‌هایی دریافت می‌کنند که در ماه‌های مشابه سال قبل کمتر از یکصدهزار تومان بود درحالی که اکنون به بیش از یک‌میلیون و ۳۰۰ هزار تومان در ماه رســـیده که واقعا رکورد جدیدی در گرانفروشی، آن هم توسط دولت خدمتگزار است. مســـئولان تجدیدنظری در قیمت گازبهای مشترکان کنند.

محمود بلیغیان از اصفهان

چرا هنوز مواد تقلبی در بازار هستند؟

با وجود فعالیت مؤســـســـاتی همچون مؤســـســـه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران و نظارت بر مواد غذایی، سازمان غذا و دارو، تعزیرات حکومتی و سازمان بهداشت و اتاق‌های اصناف و اتحادیه‌های صنفی و ده‌ها مرکز نظارتی دیگر که همگی مسئول کنترل کیفیت و نظارت بر قیمت‌ها و غیره هستند چرا هنوز شاهد کشـــفیات مواد و کالاهای غیراستاندارد و تقلبی و عرضه این مواد در بازارها هستیم؟

پهلوانی از زنجان

پیام @
تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

قرارداد رهن و اجاره مسکن، به صورت چندساله منعقد شود

درصد زیادی از مردم کشور خصوصا در تهران و کرج اجاره‌نشین هستند. علاوه بر سختی‌های اسباب‌کشی و صدماتی که به اسباب و اثاثیـــه خانواده‌ها با هر ســـال جابه‌جایی وارد می‌شـــود، تامین هزینه‌های رهن و اجاره کمرشکن شده است به‌طوری که اگر فرضا یک کارگر یا کارمند تمام حقوق خود را پس‌انداز کند باز هم قادر به تامین این ارقام نخواهد بود. پیشنهاد می‌کنم مسئولان مالکین را موظف کنند تا قراردادهای چندساله با مستأجرین منعقد کنند تا کمی از فشار روی این قشر برداشته شود.

تهرانی از تهران

فرزندان فرهنگیان بازنشسته جایگزین والدینشان شوند

بسیاری از ارگان‌ها با بازنشسته شدن کارمندانشان فرزندان آنها را جایگزین کرده و به‌کار می‌گیرند. این موضوع نه‌تنها باعث امنیت خاطر افراد می‌شود بلکه افراد جوان‌تر می‌توانند از والدین بازنشسته خود برای عملکرد بهتر راهنمایی و کمک بگیرند. با توجه به اینکه فرهنگیان جزو زحمتکش‌ترین و در عین حـــال کم‌درآمدترین اقشار جامعه هســـتند پیشـــنهاد می‌کنم با بازنشسته شدن هر فرهنگی، یکی از فرزندانشـــان که واجد شرایط هستند جایگزین و استخدام شود.

نورالدین‌زاده از کرج

میزان تعطیلات رسمی در ایران نیازمند بازنگری است

در ایران تعطیلات رسمی زیاد اســـت و بعد از آن هم خود مردم دیـــر از تعطیـــلات بازمی‌گردند. اکنون با گذشـــت ۲۰روز از ســـال هنوز حتی خرده‌فروش‌ها هم از تعطیلات برنگشته‌اند. البته اگر کار هم کنند چیزی تولید نمی‌کنند. درحالی که در بسیاری از کشورهای جهان مردم فقط چند روز تعطیلی برای سال نو دارند و بعد سر کار و زندگی خود بازمی‌گردند.

هلالی از تهران

با تلاش بازپرس جنایی تهران صورت گرفت

بخشش قاتل برادر به احترام شب‌های قدر

گزارش
الهه فراهانی
روزنامه‌نگار

مردی که به‌خاطر ارثیه پـــدری با برادرش دچار اختلاف شده بود، جان وی را گرفت و خانواده‌اش خواســـتار قصاص او شـــدند اما با تلاش بازپرس جنایی تهران و به احترام شب‌های قدر قاتل برادر پیش از محاکمه بخشیده شد و از مجازات مرگ رهایی یافت.

به گزارش همشهری، این پرونده جنایی از دی‌ماه ســـال ۱۴۰۰ به جریان افتاد. درآن زمان گزارش مرگ مرموز مردی ۴۶ســـاله به بازپرس جنایی تهران اعلام شـــد و تیمی از کارآگاهان تحقیقات خود را برای رازگشایی از مرگ معمایی مرد جوان آغاز کردند. بررســـی‌ها حکایت از این داشت که وی به تنهایی زندگی می‌کرده است و روز حادثه برادرش با پیکر بی‌جان وی مواجه شده و پلیس را خبر کرده است. برادر متوفی گفت: حدود ۴روز بود که از برادرم بی‌خبر بودم. او تلفن‌های مرا پاســـخ نمی‌داد و همین موجب نگرانی من شده بود. این درحالی بود که سابقه نداشت برادرم بدون اطلاع خانواده جایی برود. به همین دلیل تصمیم گرفتم خودم را به خانه‌اش برســـانم تا ببینم چه بلایی برسرش آمده است. وی ادامه داد: وقتی به مقابل خانه‌اش رسیدم زنگ زدم اما کسی در را باز نکرد. از همسایه‌ها پرس و جو کردم که آنها گفتند چند روزی است از برادرم بی‌خبر هستند. با کلیدی که داشتم وارد خانه برادرم شـــدم و چشمم به پیکر بی‌جان برادرم افتاد که در سالن پذیرایی افتاده بود. وی گفت: به‌نظر می‌رسید برادرم سکته کرده است.

۳ماه بعد

جســـد مرد با دســـتور بازپـــرس جنایی به پزشکی قانونی فرستاده شـــد تا علت اصلی مرگ وی مشـــخص شـــود. کارشناسان در فروردین‌ماه ۱۴۰۱ یعنی ۴ماه پس از حادثه علت اصلی مرگ را اعلام کرده و با نظریه تیم پزشکی مسیر پرونده تغییر کرد و به جنایت تبدیل شد. پزشـــکی قانونی اعلام کرد که او بر اثر اصابت ضربه‌های جسم سخت به سرش به قتل رسیده است. درحالی که همه، حتی خانواده مرد جان باخته تصور می‌کردند علت مرگ او ســـکته بود با اعلام این نظریه راهی دادســـرای جنایی تهران شدند و درخواست کردند تا هرچه زودتر عامل جنایت شناسایی و دستگیر شود.

ارثیه پدری

تیم جنایی برای کشف اســـرار قتل راهی محل زندگی مقتول شدند و با انجام بررسی‌ها متوجه شدند که قتل از ســـوی یک آشنا رخ داده است. قاتل به راحتی توانسته بود وارد خانه مقتول شود و به‌نظر می‌رســـید قبل از قتل با یکدیگر درگیر شده بودند چرا که همسایه‌ها آخرین بار صدای درگیری از خانه مرد جان باخته شـــنیده بودند. مظنون شماره یک، کسی جز برادر مقتول نبود. کسی که از مدت‌ها قبل با مقتول به‌خاطر ارثیه پدری دچار اختلاف شده بود. وقتی برای پلیس محرز شـــد که مظنون اصلی آخرین بار هم در اطراف خانه مقتول دیده شده، دستور بازداشت وی صادر شد. هرچند او سعی داشت خودش را بی‌گناه نشان بدهد اما وقتی شواهد و مدارک را علیه خود دید کلید معمـــای جنایت را در اختیار تیم جنایی قـــرار داد و به قتل اعتـــراف کرد. وی گفت: از مدت‌ها قبل با برادرم دچار اختلاف شده بود. دعوای ما به‌خاطر ارثیه پدری مان بود و هر روز شدت پیدا می‌کرد تا اینکه دستانم به خون برادرم آلوده شد. متهم ادامه داد: روز حادثه به خانه برادرم رفته بودم تا درباره ارثیه پدری‌مان صحبت کنیم اما ناگهان درگیری میان ما شکل گرفت و من که به‌شدت عصبانی بودم با یک وسیله تزیینی ضرباتی به سرش زدم. ناگهان او از حال رفت و نقش بر زمین شد. خیلی ترســـیده بودم چون قصد کشتن او را نداشتم. فقط می‌خواستم او را بترسانم اما دیگر کار از کار گذشته و برادرم نفس نمی‌کشید. ترسیدم و فورا آنجا را ترک کردم.

تلاش بازپرس جنایی برای جلب رضایت

متهم به قتل پس از اقرار به جنایت، روانه زندان شد. از سوی دیگر اولیای دم نیز راهی دادسرا شدند و برای پسرشان درخواست قصاص کردند. تحقیقات در پرونده تکمیل شده و قرار بود به‌زودی به دادگاه کیفری فرستاده شـــود و متهم پای میز محاکمه برود اما در این بین قاضی امیر حسین علیمردان، بازپرس شعبه دهم دادسرای جنایی تهران تلاش خود را برای جلب رضایت اولیای دم شـــروع کرد که خوشـــبختانه تلاش وی نتیجـــه داد و اولیای دم به حرمت شـــب‌های قدر، متهم را بخشیدند تا او از قصاص رهایی یابد. با بخشـــش اولیای دم، پرونده به‌زودی به دادگاه کیفری فرستاده خواهد شـــد تا متهم از لحاظ جنبه عمومی جرم پای میز محاکمه برود.

خانواده متهمان اقتصادی در دام نماینده قلابی قوه قضاییه

سرقت ۵۰۰هزار دلاری به‌بهانه تبرئه متهم اقتصادی

انتظامی

مرد شـــیاد پس از شناســـایی خانواده متهمان پرونده اقتصادی، خودش را نماینده تام‌الاختیار دستگاه قضایی یا از اقوام مسئولان کشور معرفی می‌کرد تا به بهانه آزادی یا حل مشکلات پرونده، دست به اخاذی و سرقت‌های ۵۰۰هزاردلاری بزند.

به گزارش همشهری، چندی قبل مردی به اداره یکم پلیس آگاهی تهران رفت و گفت: در دام یک مرد شیاد گرفتار شده و ۵۰۰هزار دلار از وی سرقت شده است.

او توضیح داد: حدود یک ماه پیش فردی با موبایلم تماس گرفت و خودش را آقای دهقانی معرفی کرد. او مدعی شد که بازرس و نماینده تام‌الاختیار دستگاه قضایی در تهران است و قصد دارد به من کمک کند.

شاکی ادامه داد: پسر من مدتی قبل به اتهام جرایم اقتصادی دستگیر شده و در یکی از دادگاه‌های تهران پرونده دارد. آقای دهقانی اطلاعات کاملی از پرونده پسرم داد و همین موضوع موجب شد به او اعتماد کنم. وی گفت که می‌تواند مشکل پرونده پسرم را حل کند و لحن صحبت‌هایش به‌گونه‌ای بود که من کوچک‌ترین شـــکی به وی نکردم و با او قرار ملاقات گذاشتم. در جلسه اول، مرد جوان یک کارت شناسایی نشانم داد که تأیید می‌کرد بازرس و نماینده دستگاه قضایی است. علاوه بر این، تجهیزات نظامی مانند اسلحه، بی‌سیم و... همراهش بود. او می‌گفت قاضی پرونده پسرم از دوستان نزدیکش است و به من اطمینان داد که می‌تواند مشکل پسرم را در دادگاه حل کند. من هم از او خواســـتم با قاضی صحبت کند و نتیجه‌اش را به من بگوید. سرانجام پس از چند جلسه ملاقات با آقای دهقانی، وی مدعی شد که چنانچه ۵۰۰هزار دلار خرج کنم، قاضی مشکل پرونده را حل کرده و به نفع پسرم حکم صادر می‌کند. او مدعی بود که این پول باید به قاضی و افراد دیگر پرداخت شود. من هم به تکاپو افتادم تا پول را تهیه کرده و مشکل پسرم را حل کنم اما خبر نداشتم که به دام یک شیاد افتاده بودم.

وی ادامه داد: سرانجام این مبلغ را با کمک دوستان و بستگانم تهیه کردم و با مرد جوان قرار گذاشتم تا به دیدن قاضی پرونده اقتصادی پسرم در منطقه فرمانیه برویم. روز حادثه سوار ماشین مرد جوان شدم و او پس از دیدن کیف دلارها، آن را از من گرفت و داخل صندوق عقب ماشینش گذاشت. سپس مدعی شـــد که اول باید به دیدن قاضی برویم و بعد اگر شرایط مهیا بود، دلارها را به او بدهیم. وقتی به مقصد رسیدیم، هر دو از ماشین پیاده شدیم و هنوز چند متری دور نشده بودیم که ناگهان مرد شیاد اسلحه‌ای به سمتم گرفت و مرا تهدید به قتل کرد. او گفت اگر حرفی بزنم شلیک کرده و جانم را می‌گیرد. سپس پشت فرمان ماشینش نشست و فرار کرد. من تا چند دقیقه شوکه بودم و باورم نمی‌شد به این راحتی مرد شیاد توانسته نقش بازی کند و سرم را کلاه بگذارد.

مخفی کردن دلارها و اسلحه در باغچه

با این شکایت، تحقیقات برای شناسایی مرد مســـلح آغاز شد و در شاخه نخست شاکی به ترسیم چهره متهم پرداخت. در مرحله بعد معلوم شد که متهم یکی از مجرمان سابقه‌دار در زمینه جعل و کلاهبرداری است و بارها به جرم جعل عنوان، کلاهبرداری و سوءاستفاده از عناوین دولتی دستگیر و زندانی شده است.

با این سرنخ، پاتوق‌های احتمالی مجرم سابقه‌دار تحت نظر قرار گرفته شد تا اینکه نوزدهم فروردین‌ماه مخفیگاه وی شناسایی و او در زمان ورود به آنجا در عملیاتی غافلگیرانه دستگیر شد. اگرچه متهم اصرار داشت که بی‌گناه است اما وقتی با شاکی مواجهه حضوری شد و مأموران در بازرسی از خانه مجرم سابقه‌دار موفق شدند داخل باغچه خانه، مشتی دلار و یک اسلحه کشف کنند، وی به جرم خود اقرار کرد و گفت: با این شیوه افراد زیادی را فریب داده است.

وی گفت: نقشـــه‌ام این بود که ابتدا به دفاتر حقوقی ســـطح شهر تهران می‌رفتم و خودم را بازرس ویژه و یا نماینده تام‌الاختیار دســـتگاه قضایی معرفی می‌کردم. برای اجرای این نقشه، کارت شناسایی جعل کرده بودم و اسلحه‌ای همراه داشـــتم تا بتوانم اعتماد افراد را جلب کنم. از این طریق می‌توانستم به اطلاعات برخی پرونده‌ها دست پیدا کنم. سپس با خانواده متهمان تماس گرفته و به سراغ مرحله اصلی نقشه‌ام می‌رفتم. به بهانه‌هایی چون حل مشکلات پرونده و آزاد کردن زندانیان درخواست دلار کرده و بعد با تهدید اسلحه نقشه سرقت را اجرا و بعد فرار می‌کردم.

سرهنگ مرتضی نثاری، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران با اعلام این خبر به همشهری گفت: متهم برای انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار مأموران اداره یکم پلیس آگاهی تهران قرار گرفته است و تعدادی از مالباختگان نیز با حضور در اداره آگاهی تهران، وی را مورد شناسایی قرار داده و از او شکایت کرده‌اند. سرهنگ نثاری افزود: تحقیقات برای شناسایی جرایم احتمالی دیگر از سوی متهم و شناسایی شاکیان ادامه دارد.

انفجار گاز، خانه‌ای در جنوب پایتخت را آوار کرد

نجات ۱۰نفر در انفجار هولناک

داخلی

نشـــت گاز و انفجار در خانه‌ای قدیمی واقع در جنوب تهران آنجا را به ویرانه تبدیل کرد و ۱۰ نفر از ساکنان آنجا را تا یک قدمی مرگ پیش برد.

به گزارش همشـــهری، یکشنبه‌شـــب، درحالی که عقربه‌های ساعت ۲۲:۲۸ را نشان می‌داد، صدای وحشتناکی یکی از محله‌های منطقه فلاح در جنوب تهران را به لرزه درآورد. این انفجار در خانه‌ای قدیمی اتفاق افتاده و قدرت آن به حدی بود که علاوه بر تخریب این ساختمان، شیشه ســـاختمان‌های مجاور شکسته و آژیر دزدگیر خودروهـــا تا چند کوچه آن طرف‌تر به صدا درآمـــده بود. دقایق کوتاهـــی از این حادثه می‌گذشـــت که صدای آژیر خودروهای آتش‌نشـــانی و اورژانس فضای محله را پر کرد و با حضور آنها امدادرســـانی آغاز شد. سیدجلال ملکی، سخنگوی آتش‌نشـــانی تهران درباره این عملیات می‌گوید: «۳دقیقه از اعلام وقوع این حادثه می‌گذشت که آتش‌نشـــانان خود را به آنجا رساندند. حادثه در ســـاختمانی ۲طبقه و قدیمی در خیابان شهسوار شمالی اتفاق افتاده و بیشـــتر از نیمی از آن را تخریب کرده بود.» او ادامه می‌دهد: «این ساختمان در طبقه همکف ۲ مغازه داشت و طبقه دوم مسکونی بود. پشت ساختمان نیز مغازه تاسیساتی قرار داشت که بررسی‌ها نشان می‌داد به‌احتمال زیاد انفجـــار در آنجا اتفاق افتاده و موجب تخریب ساختمان شده است. در این حادثه علاوه بر تخریب بخش‌هایی از طبقه همکف و طبقه دوم ساختمان، شیشه‌های ساختمان‌های مجاور نیز شکسته و چند خودرو که در آنجا پارک شده بودند نیز دچار خسارت شده بودند.» امدادرسانی در حالی ادامه داشـــت که هنوز معلوم نبود، ساکنان ساختمان به چه سرنوشتی دچار شده‌اند. در چنین وضعیتی عملیات آواربرداری و جست‌وجو آغاز شـــد و امدادگران در همان دقایق اولیه موفق شدند چند نفر را از زیر آوار بیرون بکشند. ملکی در این‌باره می‌گوید: «تقریبا نیمی از این ساختمان تخریب شده بود و شـــرایط سختی در آنجا وجود داشـــت؛ اما آتش‌نشانان در همان ابتدای عملیات موفق شدند ۶نفر شامل: ۳مرد، ۲زن و یک کودک حدود یکساله را که بخش‌هایی از بدنشان زیر آوار مانده بود، نجات دهند. هر ۶نفر که مصدوم شده بودند به امدادگران اورژانس تحویل داده شدند.» با وجود نجات این ۶نفر، هنوز چند نفر دیگر در میان ویرانه ســـاختمان قدیمی گرفتار شده بودند که عملیات برای نجـــات آنها ادامه پیدا کرد. سخنگوی آتش‌نشـــانی تهران در این‌باره می‌گوید: «۴خانم در قســـمت باقی مانده ســـاختمان حضور داشته و به‌شدت ترسیده بودند که آتش‌نشانان با استفاده از نردبان دستی آنها را نیز به سلامت به ســـطح زمین منتقل کردند. علاوه بر این همکارانـــم برای اطمینان بیشتر به جست‌وجو در محل حادثه برای یافتن سایر حادثه‌دیدگان ادامه دادند که خوشبختانه هیچ فرد دیگری یافت نشد و این عملیات بدون هیچ تلفاتی به پایان رسید.»

اما این انفجار چگونه اتفاق افتاد و علت وقوع آن چه بود؟ سخنگوی آتش‌نشانی تهران در این‌باره می‌گوید: «بررسی‌های اولیه انجام شده از سوی همکارانم حاکی اســـت که حادثه به‌دلیل نشـــت گاز و ایجاد شـــعله یا جرقه رخ داده است که بررسی‌های کارشناســـی و دقیق‌تر در این‌باره ادامه دارد.»

در همین حال محمداسماعیل توکلی، سرپرست اورژانس تهران نیز جزئیات بیشتری از امدادرسانی به حادثه دیدگان این انفجار را توضیح داد و گفت: به‌دنبال اعلام خبر وقوع این حادثه ۵آمبولانس و یک موتورلانس به محل حادثه اعزام شدند و ۷نفر را که مصدوم شده بودند به بیمارستان‌های لقمان، شهدای یافت‌آباد و بهارلو منتقل کردند و مصدومان تحت مداوا قرار گرفتند.

انفجار خونین مین خنثی نشده

تلاش بـــرای خنثی کردن مین باقی مانده از دوران دفاع‌مقدس به انفجاری خونین منجر شد.

به گزارش همشهری، این حادثه در یکی از مناطق آلوده به مین شهرستان قصرشـــیرین اتفاق افتاد. ماجرا از ایـــن قرار بود که یکی از پرسنل تخریب شرکت مین‌زدایی مشغول خنثی‌سازی مین بود که این مین به یکباره منفجر شـــد. بر اثر این انفجار ایـــن تخریب‌چی ۴۵ســـاله از ناحیه ۲ دست و صورت مصدوم و بلافاصلـــه بـــه بیمارســـتان ابوالفضل‌العباس قصرشـــیرین منتقل شد.

محمد حیـــدری، سرپرســـت فرمانـــداری قصرشـــیرین در این‌بـــاره گفت: ایـــن حادثه در حوالی مرزهای این شهرستان و در جریـــان فعالیـــت اعضای گروه‌هـــای پاکســـازی هنگام بازنگری اراضی پاکسازی شده با مین رخ داد و فرد مجروح به مرکز درمانی منتقل شد.

کوتاه از حادثه

خانواده مرد میانسال اعضای بدن او را به بیماران نیازمند اهدا کردند

فرار راننده، مرگ مغزی مردی را رقم زد

مرد میانســـال که در جریان یک سانحه رانندگی به‌شدت مصدوم شـــده بود چند روز بعد از انتقال به بیمارستان دچار مرگ مغزی شد تا خانواده‌اش اعضای بدن او را به بیماران نیازمند اهدا کنند. اما این مرد چطور دچار حادثه شد و خانـــواده‌اش چگونه به اهدای اعضای بدن او رضایت دادند؟

به گزارش همشـــهری، این مرد ۵۳ساله که میرنادر موسوی نام داشت و ساکن نظرآباد واقع در استان البرز بود، چند روز قبل در جاده هشـــتگرد برای چند لحظه از خودرواش پیاده شد. او قصد داشت از کنار جاده آب بردارد اما همین که از ماشینش پیاده شد ناگهان یک خودروی پراید با سرعت زیادی با او برخورد کرد. شـــدت این برخورد به حدی بود که میرنادر چند متر آن طرف‌تر افتاد و راننده پراید که این صحنـــه را دید در اقدامی ناجوانمردانه از صحنه تصادف فرار کرد. به‌دنبال این حادثه اعضای خانواده این مرد که در آنجا حضور داشتند از اورژانس و پلیس کمک خواستند و دقایقی بعد پیکر نیمه جان او به مرکزی درمانی در هشـــتگرد منتقل شد. مرد میانسال در این حادثه به‌شدت صدمه دیده و سطح هوشیاری‌اش ۸بود. در این شرایط بود که پیکر وی برای ادامه روند درمان به بیمارستانی در کرج منتقل شد.

با وجود تلاش کادر پزشکی اما سطح هوشیاری او به‌تدریج کاهش یافت تا اینکه بعد از چند روز دچار مرگ مغزی شد. در این شرایط پزشکان در جلســـه‌ای با خانواده بیمار مرگ مغزی برای اهدای اعضای بدنش به بیماران نیازمند به رایزنی با آنها پرداختند.

تصمیم بزرگ

میرقادر موســـوی، برادر بزرگ‌تر میرنادر که بعد از تصادف پیگیر وضعیت برادرش بود در این‌باره به همشـــهری می‌گوید: برادرم نگهبان یک کارخانه درنظرآباد بود. او یک پسر ۱۲ساله و دختری ۲۱ساله و تازه عروس داشت. در چند روزی که برادرم در بیمارستان بستری بود، همه خانواده در بیمارستان جویای احوال او بودیم و نذر و نیاز می‌کردیم که خدا ســـلامتی را به او برگرداند. پزشکان بیمارستان نیز تلاش زیادی برای نجات برادرم انجام دادند اما بعد از چند روز او دچار مرگ مغزی شد.

این مرد ادامه می‌دهد: هیچ وقت زمانی را که پزشکان بیمارستان مارا صدا کردند تا خبر مـــرگ مغزی بـــرادرم را بدهند فراموش نمی‌کنم. آن روز تلخ‌ترین روز زندگی‌ام بود. همگی جمع شده بودیم که آنها این خبر را دادند و دنیا روی ســـرمان خراب شد. باورمان نمی‌شد که میرنادر را از دست داده‌ایم و من به‌عنوان برادر بزرگ‌تر نمی‌دانستم چطور باید این خبر را به بچه هایش بدهم.

اعضای این خانواده بعد از مرگ مغزی این مرد باید تصمیم بزرگی می‌گرفتند. آنها درصورت اهدای اعضای بدن او می‌توانستند به چند بیمار مرگ مغزی که از مدت‌ها قبل در انتظار عضو پیوندی بودند زندگی دوباره‌ای ببخشند. اعضای خانواده بعد از مشورت با یکدیگر تصمیم گرفتند اعضای بدن میرنادر را اهدا کنند.

برادر بیمار مرگ مغزی در این‌باره می‌گوید: چند نفر از برادرزاده و خواهرزاده هایم پیش از این کارت اهدای عضو گرفته بودند و با این موضوع آشنا بودند و بعد از مشورت با یکدیگر تصمیم گرفتیم همه اعضای بدن برادرم را که قابلیت پیوند دارند به بیماران نیازمند اهدا کنیم. به این ترتیب پیکر برادرم به بیمارستان سینا در تهران منتقل شد و بعد از آنکه در آنجا چند پزشک دیگر نیز او را معاینه کرده و مطمئن شدند که دیگر به زندگی برنمی‌گردد عملیات جداسازی و پیوند اعضای بدنش انجام شد. برادرم مرد مهربانی بود و حالا جایش بیشتر از همیشه خالی است. روز خاکسپاری‌اش افراد زیادی آمده بودند و همه حسرت می‌خوردند که او چرا آنقدر زود ما را ترک کرد. او درباره سرنوشت راننده‌ای که باعث این حادثه بود نیز می‌گوید: ما هرچه از راننده و خودرواش می‌دانستیم در اختیار پلیس قرار دادیم و امیدواریم به‌زودی دستگیر شود.

در همین حال، دکتر ساناز دهقانی، رئیس واحد فراهم آوری اعضای پیوندی بیمارستان سینا در این‌باره به همشهری می‌گوید: بعد از انجام مراحل مختلف پزشکی و تشریفات قانونی کلیه‌ها و کبد این بیمار مغزی جداسازی و به ۳بیمار نیازمند پیوند زده شد.

بخشش اولیای دم در پرونده انفجار مرگبار

اولیای دم قربانیان در پرونده انفجار مرگبار مواد محترقه در تهران که جان ۵نفر را گرفت با مراجعه به دادسرای جنایی تهران اظهار کردند که نسبت به هیچ‌کس شکایتی ندارند.

بـــه گـــزارش همشـــهری، حادثه انفجار مرگبار ساعت ۱۱:۴۳صبح چهاردهم اسفند پارسال در خیابان مازندران حوالی پل چوبی رخ داد. پس از حضور قاضی محمد جواد شـــفیعی، بازپرس جنایی تهران در محل مشـــخص شد که انفجار در طبقه اول ســـاختمانی ۳طبقه اتفاق افتاده و به مرگ ۵ عضـــو یک خانواده که در آنجـــا کار می‌کردند منجر شده اســـت. در ادامه بررسی‌ها مشخص شد که اعضای این خانواده اقدام به نگهداری وسایل نورپردازی و تجهیزات هنری ویژه می‌کردند. برخی از وسایلی که در جشن‌ها استفاده می‌شد محترقه و آتش زا بود که باعث انفجار و آتش‌ســـوزی شده بود. درحالی که پرونده در دادسرای جنایی تهران در حال رسیدگی است، اولیای دم ۵نفری که در این حادثه جانشان را از دست دادند دیروز در شعبه پنجم دادسرا حاضر شدند و اظهار داشتند که نسبت به هیچ‌کس شکایتی ندارند. یکی از آنها گفت: روز حادثه قربانیان در حال درست کردن وسایل دودزا برای مراسم جشـــن تولد و عروسی بودند که هنگام ریختن مواد داخل دیگ انفجار رخ داد. وی ادامه داد: در این حادثه مادرم، برادرم، برادرزاده ۱۴ ساله‌ام، خواهرم و شوهرخواهرم جانشان را از دست دادند و داغ سنگینی بر دلمان گذاشتند.